

فک و قلم

ویژه‌نامه دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار شماره سوم، ۱۴ دی ۱۳۹۸ AmmarFilm.ir

نقد روحانیت از روحانیت

گزارش نشست خبری مستند «این منطقه آلوده به مین است» در سینمافلسطین

صفحه ۱

آرشیوها را با پیک برایم می‌آورند!

در گفت‌وگو با مهدی نقویان، مستندساز پرکار به مراحل ساخت مستند «روایت رهبری» و مسائلی که پیرامون آن، پیش آمده صحبت کردیم.

صفحه ۲

سرنخ‌هایی برای دادستانی

سیدامیر سیاح، کارگردان مستند «۲۲۰۰» با پژوهشی دقیق به بررسی مسئله تک نرخی شدن ارز در سال ۹۷ و تبعات آن بر اقتصاد کشور می‌پردازد

صفحه ۳

سرانجام خوش اکران‌های عمار برای بندرلنگه

صفحه ۳

یک دنیا حرف از «حاج بهزاد»؛ عکاس فرشته‌ها

نگاهی به مستند «بیر عالم سوز»

صفحه ۴

سجیل‌های زلزله در راهند



یادداشت **محمدصادق باطنی***

یزدان تفنگ دارد!

«یزدان تفنگ ندارد» برگزیده نخستین دوره جشنواره فیلم عمار شد!؛ یادم هست وقتی این خبر در رسانه‌ها چرخید، تکلی می‌بچه‌ها داد. همان تازه‌دهایی که سینمای ایران هنوز آماده دیدنشان نبود. هیچ‌کس برایشان کارت دعوت برای ورود به عرصه هنر نفرستاده بود. برویچه‌های مستعد و باصفایی که از سر احساس مسئولیت پایه عرصه هنر و رسانه گذاشته بودند برای تأثیرگذاری بر مخاطبان به هر دری می‌زدند. اینجابود که ییز به یک وبترین برای چینن خروجی‌های این بچه‌ها و انتخاب آثار برگزیده بسیار خودنمایی می‌کرد:جشنواره مردمی فیلم عمار هم دقیقاًدر نقطه همین

نیاز نشست، محلی برای دیده شدن و برجسته شدن فیلم‌های بچه‌های انقلاب، باخودمان تعارف نکنیم؛ روز اول خیلی‌ها فکرش را هم نمی‌کردند که این نهال نوپا عمری طولانی داشته باشد. خیلی‌ها معتقد بودند که نسل نوپای سینمای



اما عمار نباید به کم بسنده کند؛ چرا که از ابتدا اهدافش دست نیافتنی می‌نمود. حالا وقت آن رسیده که جشنواره عمار استعدادها را شناسایی و به مجموعه‌های استعدادیاب معرفی کند. آثار برگزیده راه بخش‌کنندگان معرفی کند. محلی باشد برای رجوع سرمایه‌گذاران و استعدادیابان که بهترین افراد و آثار را به آنها برای سرمایه‌گذاری معرفی کند. شیوه نوین توزیع محتوای مردمی عمار، به اقتصاد آثار بچه‌های انقلاب هم کمک کند و محملی شود برای حمایت مادی و معنوی از این آثار.

و امروز... بعد از یک دهه... دیگری می‌توان گفت که «یزدان گلدوی» که زمانی کسی نبود که مظلومیت پدر شهیدش را به تصویر بکشد، دیگر تنها نیست و اسلحه به دست‌های فراوانی در ساخت رسانه انقلاب کنارش ایستاده‌اند؛ این روزها دیگر باید گفت: «یزدان تفنگ دارد...»

*کارگردان، مجری و نویسنده سینما و تلویزیون

در نشست خبری مستند «این منطقه آلوده به مین است» مطرح شد:

نقد روحانیت از روحانیت

گزارش حجت‌الاسلام محسن نقی‌زاده کارگردان مستند «این منطقه آلوده به مین

است» در نشست خبری ای اثر که در جریان اکران‌های مرکزی دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار در سینمافلسطین برگزار شد، در سخنانی گفت: «جشنواره عمار شکر می‌کنم که این محافظه‌کاری را که در بسیاری از ارگان‌ها وجود دارد، کنار گذاشته و مستند من را که هنوز هم توقیف است و اجازه بخش آن را در فضای مجازی هم نداریم، اکران کردند. وی افزود: بیشترین فشار را شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه وارد کردند. حتی قبل از اینکه ما اعلام کنیم رونمایی برای این مستند داریم یا من تماس گرفتند و من هم رفتم و مستند را به‌صورت خصوصی برای آنها اکران کردم. آنها هم پس از تماشای فیلم به من گفتند که جلوی نمایش مستند را می‌گیریم و گرفتند.

این روحانی فیلم‌ساز با اشاره به وجود تفاوت میان سیانمایی و عدالت‌خواهی، خاطر نشان کرد: «گفتمان مستند من، گفتمان درون این نظام است. من از زاویه یک فرد ضد نظام و ضد روحانیت نگاه نمی‌کنم. اگر به فیلم هم نگاه کنید می‌بینید که نگاه فیلم هم گویای چنین نگاهی نیست.

وی اضافه کرد: اگر فقط می‌آسدم و تنها نقاط منفی و سیاهی‌ها را از ائمه جمعه نگاه می‌کردم، شاید سیاه‌نمایی بود ولی این بخش مثبت را هم باید نشان می‌دادم نه به خاطر اینکه مجوز بگیرم بلکه به‌خاطر واقعیت و حقیقت موجود، این واقعی نیست که تمامی ائمه جمعه زندگی اشرافی دارند. بلکه در خلاف آن و با فاصله ۱۸۰ درجه هم هست که در این مستند آن را نشان دادیم.

کارگردان مستند «این منطقه آلوده به مین است» یادآور شد: در این میان، برخی‌ها حتی این انتقاد را به ما داشتند که چرا فقط نقاط مثبت را به تصویر کشیدیم. البته این موضوع هم واقعیت ندارد، واقعیت این است که ائمه جمعه همان‌گونه که صدا و سیمای جمهوری اسلامی نشان می‌دهد، اشخاصی مثبتی هستند.

حجت‌الاسلام نقی‌زاده عنوان کرد: ائمه‌جمعه کلان‌شهرهایی چون تهران و اصفهان سالهاست که با میله‌ها و محافظ‌هایی از مردم جدا شدند. در حالی که ائمه‌جمعه در گذشته، محافظ نداشتند و از مردم جدا نبودند و این سوالی است که در مستند مطرح می‌شود که چرا برخی از این افراد تغییر کردند و چرا جامعه هم تغییر کرده و این افرادی که نماد ساده زیستی هستند، به نماد اشرافی‌گری تبدیل شدند.

وی تصریح کرد: رسیدگی به این موضوع نیازمند نقد روحانیت نسبت به روحانیت است. من به عنوان کارگردان این مستند که طلبه هم هستم این موضوع را مهم می‌دانم، نباید این موضوع در پشتوها نقد شود. زیرا این موضوع مهمی است که باید در مورد آن حتماً بحث و صحبت شود.

کارگردان مستند «این منطقه آلوده به مین است» اظهار داشت: برخی از دوستان طلبه به من می‌گویند این حرف‌ها را در حوزه و به‌صورت خصوصی بیان کنم. مگر اشرافیت آن شخص، خصوصی است که من هم بخوام به صورت خصوصی این موضوع را به آنها بیان کنم.

حجت‌الاسلام نقی‌زاده در بخش دیگری از این نشست درباره مستندش بیان داشت: محدودیتی بابت اینکه به امام جمعه ایلام نزدیک شویم، نداشتم و نمی‌خواستیم فرم فیلم‌خود را این‌گونه نشان بدهیم که او پاسخ‌گو نیست. ساخت مستند «این منطقه آلوده به مین است» شروع یک جنبش و سلسله مستندهایی است که باید موضوعات مختلف بررسی شود. البته این مستند شروع این اقدامات نیست بلکه دوستانی هم قبل از ما کارهایی درمورد عدالتخواهی داشتند.

وی خاطر نشان کرد: نقدهایی که من در این مستند انجام می‌دهم دقیقاً عین سخنان امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری است. در این مستند به این موضوع اشاره می‌کنم که تک‌تک مردم باید این مطالبه‌گری را داشته باشند و صدای خود را به گوش برخی از ائمه جمعه برسانند. این مطالبه قانونی حق آنها است. در واقع این مطالبه‌گری را انقلاب اسلامی ایجاد کرده و شمار انقلاب است.

حجت‌الاسلام نقی‌زاده یادآور شد: در حال حاضر، عدالت‌خواهی، مهم‌ترین حرف و سخنی است که مردم تمایل دارند آن را بشنوند. منتها بسیاری می‌آیند این موضوع را سپر می‌کنند تا به اهداف خود دست پیدا کنند. افراد بسیاری هم هستند که عدالت‌خواهی آنها را قبول ندارم زیرا نگاه کمونیستی به این مسئله دارند.

مراسم شعر و رجز خوانی ضد آمریکایی «انتقام سخت» در سینمافلسطین

سجیل‌های زلزله در راهند

گزارش دیروز و در اولین شب شهادت سردار سیه‌د سیه‌د پاسدار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شب شعر و رجز خوانی ضد آمریکایی با عنوان «انتقام سخت» در جریان دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار و در محل سینمافلسطین با حضور شاعران، مداحان و آحاد مردم برگزار شد.

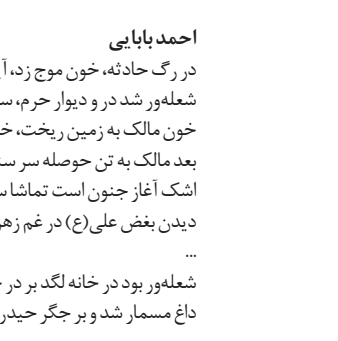
در ابتدای این مراسم، مادر شهیدان خالقی‌پور در سخنانی حماسه‌وار، شهادت سردار سلیمانی را تسلیت گفت و اظهار کرد: شهید سلیمانی فرزند وطن و انقلاب است و برای همه شما برادر بود. اما می‌خواهم بگویم که دل قوی دارید. سردار سلیمانی، هزاران سلیمانی را تربیت کرده و برای ما به ودیعه گذاشته است. سلیمانی‌های ما امروز ایستاده‌اند تا جواب دندان‌شکن به آمریکا و اسرائیل بدهند.

مادر شهیدان خالقی‌پور ادامه داد: شهدا امروز خوشحال هستند که میمانی به این بزرگواری را پذیرا هستند. شما هم مراقب رفتار دشمنان باسید و منتظریم که پرچم ایران را به دست صاحب اصلی بدهیم و در کتاب امام زمان(عج) باشیم.

در ادامه، بخش‌هایی از سروده‌ها و شعر خوانی شاعران می‌آید:

فرهاد موحدی

نیست بر روی دلم، دافی از این سنگین‌تر
کرده پیشانی ما را غم تو پرچین‌تر
مالک اشتر ما بودی و رفتی سردار
در غمت هست ز ما سیدعلی غمگین‌تر
ای به قربان تو و صاحب نامت، قاسم
بودای مرگ برایت ز عسل شیرین‌تر



نقیسه سادات موسوی

دشتمان باز شد آلوده به خون جانی‌ها
بی دوام است ولی خنده شیطانی‌ها
کم علمدار نادیدم بر این کربویلا
کم نبودند بر این خاک، سلیمانی‌ها
جایی هر قطره خون، صد گل از این باغ شکفت
کی جهان دیده از این فراوانی‌ها

نقیسه سادات موسوی، در سروده دومش نیز ابیاتی حماسه‌انگیز قرائت کرد که بخشی از آن می‌آید.
انتقامش به خدا از حججی سخت‌تر است
وای از مشت گره کرده ایرانی‌ها
راهی قدس شده لشکر آزادی قدس
این خبر را برسانید به سفیانی‌ها

رضا احسان‌پور، شاعر بعدی بود که پشت تربیون قرار گرفت. او پیش از آنکه ابیاتی را قرائت کند، گفت: کاش می‌شد به جز شعر گفتن کاری کرد، من خسته شدم از بس، محکوم کردیم و کاش



علی محمد مؤدب

ای مرد، ای حماسه، خداحافظ
از این نبرد، خسته نباشی مرد
آه ای پناه و ماه، خداحافظ
از ما تو دلشکسته نباشی ای مرد
زان دم که بر زمین شهادت ریخت هر قطره خون پاک تو دریایی است...

سجیل‌های زلزله در راهند
ای پیل‌ها و ابره‌ها هشدار
آتشفشان خشم خدا ماییم در هر کجا به فرق شما این بار

محمد حسین نجفی

زاریم در سوگ تو ای سردار، زاریم
زاریم در سوگ تو اما استواریم
با اقتدا به نام علی ایستاده‌ایم
هر چند زخم خورده، ولی ایستاده‌ایم

محمد مهدی عبداللهی

تصیر تو را کنار یاران دیدیم
در سوریه و عراق و لبنان دیدیم
هم مالک اشتر علی بودیم
هم عباس ترین لشکر دوران دیدیم

...
در یا سلام یاد تو از دل نمی‌رود

کشتی به خون نشسته، به ساحل نمی‌رود
باید کبوتران حرم نوحه سر کنند
اندوه بیکران تو از دل نمی‌رود
ای مهمل تمام غزل‌های عاشقی
این نافه در مسیر تو در گل نمی‌رود

مبین اردستانی

در این ظلمات خوف، در این شب سرد
در این شب بی‌تمیز مرد و نامرد
بی‌واهمه و غرغ قرآح خلق شد
روشن یادا خون تو خورشیدی کرد
لبریز شد از صبح شهادت، جانت
تایید به ما تلهور ایمانت

محمد حسین نعمتی

الا رفتنت ایه ماندن ما
که بیچیده عطر تو در گلشن ما
ز هر قطره خون تو لاله روید
گلستان بماند چنین میهن ما
به تن، جامه وزم زاریم و آن را
نیارد به در، مرگ هم از تن ما

محمد مهدی سیار

ای تیغ سرسنگین مشو با سبک‌سرها
دست از دل ما بر مدار یدای خنجرها
رودیم و شاهد گفتن ما بر لب دریا
نگ است ما را مرگ در مرداب بسترها
پیشانی ما خط به خط خود مقدم بود

فاطمه نائی زاد

وقت سحر آورد به کف، جام بلا را
نوشید ز لب‌های عطش کربلارا
بر اینه، جعفر طیار درخشید
آورد به زبر بر خود، ارض و سما را
آه این خبر داغ گل انداخته در باغ
بلبل تو بخوان نمغه لاجول ولا را

محمد رضا طهماسبی

نگشته ذره ای از اعتبار مالک کم
مگر به حکم معاویه دادگاهی شد
پس از شهادت سردار کاظمی می‌گفت رفیق
نوبت من بود اشتباهی شد

وی در ادامه سروده‌ای دیگر را قرائت کرد که بخش‌هایی از آن می‌آید.

ما باه‌دایم باه صدساله‌ایم ما

ما داغ دیده‌ایم گل لاله‌ایم ما

کوه منظره‌های شنیدنی

رودیم، رود خاطره‌های شنیدنی

با اقتدا به نام علی ایستاده‌ایم

هر چند زخم خورده، ولی ایستاده‌ایم



مهدی نقویان از مستند «روایت رهبری» می‌گوید:

آرشیوها را بایک برایم می‌آورند!

هم‌زمان با سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) بود که مستندی با نام «روایت رهبری» از تلویزیون پخش شد که نظر مخاطبان را به خود جلب کرد، مستندی آرشیوی که به فرآیند انتخاب رهبر انقلاب در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد ۶۸ در جلسه خبرگان رهبری می‌پردازت. مهدی نقویان که در این سال‌ها با تولید آثاری در حوزه تاریخ انقلاب توانسته افزون بر آگاهی و بصیرت، مردم بسیاری را به حوزه تاریخ انقلاب علاقه‌مند کند در دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار با همین مستند «روایت رهبری» میهمان این رویداد است. با او گفت‌وگوی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.



مهدی نقویان از مستند «روایت رهبری» می‌گوید:

مهدی نقویان از مستند «روایت رهبری» می‌گوید:

در مستند «۴۲۰۰» می‌بینیم:

سرنخ‌هایی برای دادستانی

کشف‌گو

«۴۲۰۰» عنوان مستندی به کارگردانی امیرسیاح از فعالان و کارشناسان حوزه اقتصاد است که همراه با پژوهشی دقیق به بررسی اعلام تک نرخی بودن ارز در سال ۹۷ از سوی دولت و تبعات آن بر اقتصاد کشور می‌پردازد. با او گفت‌وویی داشتیم که می‌خوانید.



چه شد که از میان معضلات اقتصادی کشور، سراغ دلار تک‌نرخی معروف به دلار ۴۲۰۰ رفتید؟
تک نرخی کردن ارز و اعلام خیر دلار ۴۲۰۰ تومانی یک اشتباه فاحشی تاریخی بود که مسببان آن ۳۰سال است به‌دنبال پیاده‌سازی تفکری اشتباه هستند و کشور را به انحراف می‌کشانند و این خرابکاری‌ها را گردن دیگران می‌اندازند.

هدف من از ساخت این مستند و رفتن به سراغ چنین سوژه‌ای، این بود که همگان بدانند چه تفکری و چه ریل‌گذاری سبب وقوع چنین فجایی شد و در چند سال آینده، جای شهید و جلال در حوزه اقتصاد عوض نشود.

از همان ابتدای اعلام تک نرخی شدن ارز، پیگیر موضوع بودم و چون این اقدام، اشتباهی بسیار فاحشی بود، تصمیم گرفتم که این اشتباهات را در یک کتاب یا مستند ثبت کنم.

پروسه تحقیق و پژوهش، چه میزان طول کشید؟
من ششم پژوهش است و طبعاً از همان روز اول ماجرا و حتی قبلتر از آن، به‌اصطلاح در بطنن موضوع بودم و

گفت‌گو
چه شد که به سراغ این سوژه رفتید؟ آیا به دنبال پاسخ به شبهات مطرح شده، بودید؟

چگونگی انتخاب شخص اول مملکت سوژه‌ای نیست که خیلی نیاز به فکر کردن داشته باشد. علاوه بر این که یک مسئله‌ی سیاسی است، دغدغه‌ی اجتماعی هم هست و مردم دوست دارند بدانند پا چه فرآیندی شخص اول مملکت انتخاب شده است. از آن جایی که خودم هم علاقه‌ام، پرداختن به تاریخ انقلاب است، سراغ این سوژه رفتم.

همچنین وقتی یک مسئله تاریخی پیش می‌آید، اگر به آن پرداخته نشود، تبدیل به شبهه شده و حقیقت اصلی آن، وارونه جلوه داده می‌شود. در این میان، کارکرد رسانه، این است که موضوع را تبیین کند. در مجموع می‌توانم بگویم که در مستند «روایت رهبری» به‌دنبال پاسخ به شبههاتی از جمله شبهات

فردی یا شورایی شدن رهبری و لزوم مرجعیت برای انتخاب رهبری و مواردی از این دست بودیم.

فردی یا شورایی شدن رهبری و لزوم مرجعیت برای انتخاب رهبری و مواردی از این دست بودیم.

پژوهش و ساخت مستند چه مدت طول کشید؟
پروسه ساخت این مستند، حدود ۲ سال طول کشید. به‌خاطر حساسیت موضوع، سعی داشتیم اثری با کیفیت تولید کنیم تا نقد منفی در یافت نکنیم و بجدلله، هیچ‌یک از کارشناسان حوزه تاریخ نتوانستند به فکت‌های ارائه شده در مستند ایرادی بگیرند.

کار ما آرشیوی است و صرفاًژ تصاویری که در اختیار بود، استفاده کردم. همه چیز در این کار، درساره وقایع ۱۴ و ۱۵ خرداد سال ۶۸ است و درباره وقایع بعد از این دو روز هیچ مسئله‌ای طرح نشده است. این موارد، نکته‌ای فراتر از این مستند است و جادارد، جداگانه درباره‌اش کار شود.

خودتان چه موضوعاتی را برای کار در حوزه اقتصاد پیشنهاد می‌دهید؟
یکی از موضوعات، بررسی مشکلات ریشه‌ای نظام در زمینه اقتصاد

در جریان تولید مستند به مواضع مخالف با انتخاب رهبری آیت‌ا... خامنه‌ای هم برخوردید؟

هر آن‌چه در مجلس خبرگان سال ۶۸ رخ داده، در مستند ارائه شده است. کسانی که مدعی‌اند عده‌ای از افراد مخالف رهبری بودند، برای ادعای‌شان سند بیآورند. هر چیزی را که در مجلس خبرگان سال ۶۸ بود، نشان دادیم. ویژگی اصلی مستند نیز همین است و کارکرد دیگری هم ندارد که بخواهیم سانسور کنیم.

با ساخت «روایت رهبری» می‌خواستیم تمام وقایع مربوط به آن تصمیم تأثیرگذار را نشان دهیم تااگر شبهه‌ای وجود دارد از بین برود و همان‌گونه که در مستند می‌بینید حتی صحبت‌های آقای صناعی را هم آوردیم و به بحث آقای منتظری هم پرداخته شده است، اما نکته‌ای که وجود دارد، این است که در یک کار تک قسمتی خلاصه‌تر شده، اما همه موضوعات در آن مطرح شده است.

شاید سوآلی که مطرح شود این است که شما چگونه به این آرشیوهای دیده نشده، دست پیدا کردید؟

کسانی که نشسته‌اند و فقط از کارهای دیگران ایراد می‌گیرند و انگ می‌زنند و می‌گویند آرشیو را فقط سه یک عده خاص می‌دهند، بهتر است از کنج خانه‌شان بیرون بیایند و به‌جای این که پشت سر دیگران حرف بزنند، وارد عمل شوند و سختی‌هایش را به جان بخرند. هر کار، سختی‌های خودش را دارد، همان‌طور که کارگردان یک اثر تولیدی در مسیر تولید با سختی‌هایی روبرو می‌شود، در کار آرشیوی هم کارگردان، باید سختی‌هایی را متحمل شود.

در این سال‌ها مستندسازان دیگری هم به حوزه مستندهای تاریخی به‌خصوص تاریخ انقلاب روی آورده‌اند، این آثار ساخته شده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با توجه به این که دوستان در این سال‌ها به اهمیت رسانه پی برده‌اند، به تبع آن، کمیت ساخت چنین مستندهایی در حوزه انقلاب بیشتر شده است، البته در دهه‌های قبل هم آثاری در حوزه تاریخ انقلاب تولید شد، اما چون از نظر فرمی ضعیف بود، آن‌گونه که باید و شاید، دیده نمی‌شد و به‌همین خاطر جزو آمار فیلم‌های تاریخ انقلاب قرار نمی‌گرفت.

مسئله امیدوارکننده این است که در سال‌های اخیر، کمیت کارها در کنار فرمشان بالا آمده و باعث شده کارها دیده شود. البته کارهای ضعیفی هم بوده است، باید بدانیم که تکنیک و محتوا، جدا از هم نیست. این‌که حرف خوبی را در خارج از فرم و تکنیک بزنیم این بر ضد خودش، تبدیل می‌شود و در نهایت، هیچ اتفاق مثبتی نمی‌افتد. تکنیک و محتوا، چیزی نیست که بتوان از هم جدا کرد. مثل تاروپود پارچه است که اگر از هم جدا شوند، چیزی از پارچه باقی نمی‌ماند.

بعضاً دیده می‌شود برخی دوستان از تولیدات، توقع تکنیکی ندارند. یعنی می‌گویند بیاییم فقط حرف خودمان را بزنیم، در صورتی‌که اگر فرم و تکنیک نباشد، کار، هیچ اثرگذاری نخواهد داشت. اگر در سال‌های اخیر، فیلم‌هایی با این محتوا مورد توجه قرار گرفته، به این خاطر است به تکنیک و فرم در کنار محتوا توجه کافی شده است.

جشنواره مردمی فیلم عمار در دهمین دوره‌اش؟
از دست‌اندرکاران برگزاری این جشنواره تشکر می‌کنم؛ چراکه من، قبل از جشنواره عمار هم فعالیت‌هایی در زمینه تولید مستند داشته‌ام اما این جشنواره عمار بود که باعث شد فیلم‌های من دیده شود. مسئله‌ای که در دوره‌های قبلی هم به آن اشاره کردم این است که هر چقدر جشنواره، منظم‌تر برگزار شود، به‌طور مثال برنامه‌ی نمایش فیلم‌ها زودتر اعلام شود، در رونق بیش از پیش جشنواره، اثرگذارتر است.

بعضاً دیده می‌شود برخی دوستان از تولیدات، توقع تکنیکی ندارند. یعنی می‌گویند بیاییم فقط حرف خودمان را بزنیم، در صورتی‌که اگر فرم و تکنیک نباشد، کار، هیچ اثرگذاری نخواهد داشت. اگر در سال‌های اخیر، فیلم‌هایی با این محتوا مورد توجه قرار گرفته، به این خاطر است به تکنیک و فرم در کنار محتوا توجه کافی شده است.

جشنواره مردمی فیلم عمار در دهمین دوره‌اش؟
از دست‌اندرکاران برگزاری این جشنواره تشکر می‌کنم؛ چراکه من، قبل از جشنواره عمار هم فعالیت‌هایی در زمینه تولید مستند داشته‌ام اما این جشنواره عمار بود که باعث شد فیلم‌های من دیده شود. مسئله‌ای که در دوره‌های قبلی هم به آن اشاره کردم این است که هر چقدر جشنواره، منظم‌تر برگزار شود، به‌طور مثال برنامه‌ی نمایش فیلم‌ها زودتر اعلام شود، در رونق بیش از پیش جشنواره، اثرگذارتر است.

است، موضوع دیگر بررسی چند پروژه مطرح در اقتصاد ایران که ناشناخته‌اما مؤثر بودند و همچنین موضوع خصوصیسازی با توجه به تحولاتی که در سال‌های اخیر بوده، می‌توان موضوع مستند باشند. نکته‌ای هم که در این سال‌ها از غفلت کردیم، دستاوردهای جمهوری اسلامی است که به‌صورت خوب، پرداخت نشده‌اند و پر از نکات ارزشمند جدید است.

جشنواره عمار؟
من در سال‌های گذشته به‌واسطه حضور در بخش داور ی جشنواره عمار، تعدادی از کارهای مستند را دیدم. خدا را شکر این فیلمسازان و کارهای جشنواره، سال‌سسال قوی‌تر شده‌اند و مسیری شروع شده که باید کمک شود تا ادامه داشته باشد و مؤثرتر و جدیت‌ر ظاهر شود.



ویژه‌نامه دهمین جشنواره فیلم عمار

نگاهی به مستند «روایت رهبری»؛

نمای نزدیک از یک موقعیت مهم تاریخی

یادداشت‌فیلم آرش‌فهم*

مستند سیاسی و تاریخی در ساده‌ترین تعریف، ابزاری برای بازتاب و ثبت تحولات سیاسی در گذشته است. همچنان‌که پدر فیلم مستند، «جان گریرسون» هم گفته بود؛ فیلم مستند، مواجهه خلاقانه فیلم‌ساز با واقعیت است که در این نوع فیلم‌ها، واقعیت به یک رخداد سیاسی محدود می‌شود. اما وقتی باور و عشق، پشتوانه ساخت یک مستند لو و بلکه هر اثر هنری- باشد آن وقت نتیجه کار مستندساز

فراتر از ثبت خشک‌و‌خالی واقعیت‌ها خواهد بود و به کشف حقیقت برای جریان‌سازی

سیاسی و تاریخ‌سازی می‌انجامد. مثل مستند «روایت رهبری» به کارگردانی مهدی نقویان که ضمن وفاداری به واقعیت‌ها و بازنمایی قطعه‌ای کم‌نظیر از تاریخ سیاسی معاصر ایران اما به‌خاطر تلاش برای کشف حقیقتی انسانی در حوزه سیاست‌ورزی، فراتر از فیلمی مستند به یک سند مهم ملی تبدیل شده است. سندی تصویری که برای نسل‌های آینده نیز چراغ راه خواهد بود و جلوی تحریف تاریخ را خواهد گرفت. «روایت رهبری» از آن دست فیلم‌های مستندی است که اهمیت و جذابیتشان به‌خاطر افشایی از رخداد‌های مکتوم یا کمتر گفته‌شده در خلال تحولات سیاسی است. این فیلم مستند، نمای نزدیک از یک موقعیت مهم و ملت‌پز تاریخی است که مسیر حرکت و سرنوشت یک ملت را تعیین کرد. کل فیلم درباره یک جلسه است که طی چند ساعت از یک روز برگزار شد. اما تماشا‌ی آن جلسه با همه جزئیات و حواشی ناگفته‌اش، آن قدر حساس و مهیج است که زمان حدوداً ۹۰دقیقه‌ای فیلم، برای مخاطب احساس نمی‌شود و حتی تاکافی به نظر می‌رسد.

این فیلم با هجران آغاز می‌شود و با وصال به پایان می‌رسد؛ افتتاح فیلم، فاجعه‌ای است که ام‌تی را فرامی‌گیرد. داغ فراق امام خمینی (ره) در آن روزها عمیق بود و بسیاری را هراس پایان انقلاب فراگرفته بود. رادیوهای بیگانه و محافل دشمن، شاد بودند و خواب فروپاشی می‌دیدند. اما به تعبیر سید شهیدان اهل قلم، این ماجرا، آغازی بر یک پایان بود. مستند «روایت رهبری» روایتی است از این‌که چگونه کشتی انقلاب در تلخ‌ترین دوره‌اش و روز‌هایی که سرشتیان کشتی عزادار بودند و بیم غرق شدنشان می‌رفت، به ساحل آرامش و نجات رسید.

این فیلم به وسیله تصاویر آرشیوی به‌جای‌مانده از نشست مجلس خبرگان رهبری برای تعیین جانشین امام خمینی (ره) ساخته شده است. جلسه‌ای که ۱۴ خرداد سال ۱۳۶۸ با حضور رئیس و اعضای این مجلس برگزار شد. البته کتابی هم با همین نام در ۶۰۰ صفحه منتشر شده که محتوایی نزدیک اما متفاوت با این فیلم دارد و به جایگاه قانونی رهبری در جمهوری اسلامی از زمان رسمیت یافتن رهبری امام راحل تاکنون می‌پردازد. اما این فیلم، در اصل به همان جلسه متمرکز است و البته ماجرای برگزاری رفراندوم برای اصلاح قانون اساسی در همان دوره را با گو می‌کند. با وجود تصاویر ضبط شده از آن جلسه، کارگردان «روایت رهبری» ظاهراً کار ساده‌ای در پیش داشته اما اهالی مستند می‌دانند که گزینش تصاویر، ارزش‌های افزوده به تصاویر مربوطه، مصاحبه‌ها و توضیحاتی که در قالب نریشن به فیلم اضافه



شده، می‌توانست شکل‌ها و نتایج متفاوتی برای این فیلم رقم بزند. هنر سازنده این مستند، فراوی ماده خام اولیه یعنی همان تصاویر ضبط شده از جلسه مجلس خبرگان برای تعیین تکلیف رهبری نظام پس از اسام خمینی (ره) و تبدیل آن به فیلمی هنری و پر از نکات ارزشمند جدید است.

به‌طور مثال یکی از اتفاقاتی که به «روایت رهبری» شکل مستندی به‌روز و تحقیقی بخشیده، مصاحبه امروزین با شخصیت‌های حاضر در آن جلسه است. بعضی از شاهدان عینی آن وقایع که در قید حیات هستند، در این مستند، به بازگویی تصمیمات حیاتی آن نشست می‌پردازند و ناگفته‌هایی را بیان می‌کنند که به تکمیل اطلاعات فیلم کمک کرده است. همچنین این فیلم تلاش کرده تا تمام جزئیات و مراحل را که سرانجام به تعیین آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب منجر شد، نمایش دهد. حتی در بعضی از بخش‌ها به مواد و جنبه‌های قانونی گریز زده است. تصویب قانونی استعفا ی آیت‌الله منتظری از قائم‌مقامی رهبری، یکی از این مراحل است. این فیلم نشان می‌دهد که غیر از دو نفر، سایر اعضا با این استعفا موافق بودند. عبور از محدودیت رهبری نظام به مراجع تقلید و بحث بر سر این‌که آیا رهبری آینده باید شورایی باشد یا فردی نیز از دیگر بخش‌های این مستند است.

اما نقطه عطف «روایت رهبری» چگونگی مطرح‌شدن نام آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری بود. مستندساز می‌توانست از جنبه‌های مختلف این بخش را روایت کند. به‌طور مثال، می‌توانست به‌صورت هیجانی و ناگهانی وارد این بحث شود. اما وی به‌طور تدریجی و بسیار منطقی و دور از فضا‌سازی عاطفی واحساسی، به روایت این انتخاب پرداخته است. پس از مطرح‌شدن نام پیشنهادی برای رهبری آینده، فصلی درباره این شخصیت در میانه روایت فیلم باز می‌شود. این فصل، روایتی زیبا و تقریباً کامل اما مجمل از زندگی و مبارزات آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای از موقع تولد تا آن زمان است. فصلی که خودش از زرش یک فیلم مستقل را دارد و در اینجا ما شاهد یک فیلم مستند مجزا در دل یک مستند هستیم. در این بخش، گویی تاریخ مبارزات و استنادی یک ملت در قامت یک مرد به تصویر درآمده است. این مرد که تجسیم انسان کامل است، شمایل و نماینده‌ای زیبا و افتخارآمیز از نهضت شکست‌ناپذیر انقلاب اسلامی به‌نظر می‌رسد؛ او تجلی تمام عیاری از انسان ایرانی انقلابی است که رهبری امت اسلامی و جبهه مقاومت در جهان را بر عهده می‌گیرد.

نمایش و طرح همه این کلیات و جزئیات باعث شده تا «روایت رهبری» به اثری جامع و مانع در شرح و ترمیم یکی از مهم‌ترین اتفاقات تاریخ معاصر ایران و جهان، یعنی زعامت آیت‌الله خامنه‌ای بر انقلاب اسلامی تبدیل شود. این اثر، همان‌طور که شرح آن گذشت، نه فقط یک فیلم مستند، بلکه سندی تصویری برای جلوگیری از تحریف تاریخ و چراغ راهی برای آیندگان محسوب می‌شود.

*روزنامه‌نگار و منتقد سینما

روستا به روستا برای سینمای انقلاب:

سرانجام خوش اکران‌های عمار برای بندر لنگه

کنفوکو

سعید بخشی، دانشجوی و فعال جهادی شهرستان بندر لنگه است که از اوایل راهاندازی جشنواره عمار، فیلم‌های آن را در این شهرستان و به‌ویژه در مناطق محروم، در نقاطی که صدا و سیما هم حضور ندارد، اکران کرده است. دغدغه‌مندی او سرانجام، منجر به اتفاقی مبارک برای بندر لنگه شده است که در گفت‌وگوی «فانوس» با او ماجرایش را می‌خوانید.

شروع کار با جشنواره عمار؟

۹ سال پیش که برخی مستندهای جشنواره عمار را دیدم، پیامکی به دبیرخانه جشنواره فرستادم و بعد از ثبت‌نام، شروع به فعالیت و اکران آثار عمار در مساجد و مدارس شهر و روستاهای محروم اطراف شدم. در بندر لنگه سعی کردم در پایگاه‌های بسیج و مساجد اکران داشته باشم. حتی با دوستانم به خانه خانواده شهدا می‌رفتم و در آنجا فیلم اکران می‌کردیم. مثلاً به مناسبت سالگرد شهادت نادر مهدوی، بیژن گرد و عبدالضامینکی به خانه خانواده آنها رفتم و با تلویزیون فیلم‌های جشنواره عمار را پخش کردیم. در کنیخانه شهر هم اکران داشتیم و برای نوجوانان آثاری مثل «بابا خون داد»، «شیر، پرگار، زاویه»، «قهرمانان مدرسه»، «سوزن»، «هبرد خلیج فارس ۱» و... را پخش کردیم.

اولین اکران؟

به واسطه کار جهادی و محرومیت‌زدایی که با دوستان انجام می‌دادیم، به روستاهای زیادی رفتیم. کار فرهنگی هم یکی از برنامه‌های ما بود. یکی از اولین اکران‌های ما در روستای «دم گرد» بخش محراب بندر لنگه بود که مسیر صعب العبوری دارد. آن موقعی که رفتم آنجا، تلویزیون ایران، آنتن نداشت. چون نزدیک دریا هم است، مردم بیشتر کانال‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس را می‌دیدند. برای اکران، موتور برقی را پیاپی به روستا بردیم و در مسجد، برای بچه‌ها تعدادی از فیلم‌های عمار از جمله «علمک» را اکران کردیم. به غیر از آثار عمار، فیلم سینمایی «خراجی‌ها» را هم برایشان پخش کردیم.

به همین منوال در خیلی از روستاهای اطراف بندر لنگه و بندر عباس مثل روستاهای مثل «منگه»، «مقام»، «شناد» و روستاهای بخش مهران و بخش انجیرک اکران داشتیم.

وضعیت الان؟

در این ۹ ساله که با جشنواره عمار ارتباط داشتیم، سعی کردم شبکه‌سازی داشته باشم. شبکه‌ای در مدارس و مساجد تشکیل داده‌ام و به این صورت، ۴۰-۳۰ نفر از خانم‌ها و آقایان فعال اجتماعی، انقلابی و جهادی که علاقه‌مند بودند، شروع به فعالیت کردند. الان هم خودشان از سایت اکران جشنواره، فیلم‌ها را می‌گیرند و اکران‌هایشان انجام می‌دهند.

ماجرای سینماسیّار؟

کم‌کم سعی کردم خودمان را از اکران مردمی به یک درجه بالاتر ارتقا بدهیم. از اکران‌های عمار به این رسیدیم که خودمان سینما دار شویم و سینماسیّار داشته باشیم. تا پار سال که بندر لنگه، سینما نداشت، ما دستگاه سینماسیّار را از دبیرخانه عمار تحویل می‌گرفتم



و ۷-۶ ماه سینما دار بودیم. یک سالان آمفی تئاتر داشتیم که آنجا فیلم‌های «شیر ۱۳۴»، «لا تاروی»، «ماجرای نیمروز»، «به وقت شام»، «فیلشاه» و... را اکران کردیم. استقبال آن قدر زیاد بود که مثل پردیس سینمایی کوروش، انیمیشن «فیلشاه» در شهر ما هم به سانس فوق‌العاده می‌رسید، سالن جا نداشت و مردم روی زمین می‌نشستند. در مجموع حدوداً ۴۰ میلیون تومان هم بلیت‌فروشی داشتیم.

برای روستاها هم دستگاه سینماسیّار را پشت ماشین می‌انداختم و از این روستا به آن روستا می‌رفتم برای مردم فیلم، اکران می‌کردیم. حتی «ماجرای نیمروز» را در جزیره تنب بزرگ هم اکران کردیم.

در روستاها و مناطق محروم نیز برای بلیت‌فروشی، نذر فرهنگی راه انداختیم. یعنی یک‌سری از دوستان به جای یک بلیت، به نیت یک نفر دیگر دو تا بلیت می‌گرفتند. البته از برخی جاها هم کمک می‌گرفتم ولی سعی مان این بود که هزینه‌ها کم باشد. به‌دنبال این کارها و استقبال مردم از فیلم‌ها، یک نفر سرمایه‌دار پیدا شد و در بندر لنگه، سینما تأسیس کرد، یعنی کارمان باعث شد که بندر لنگه‌ای که سینما نداشت، سینما دار شود. الان هم فیلم‌ها را به‌طور روزانه و هم‌زمان با تهران اکران می‌کند.

با این حال، ما سعی می‌کنیم که اکران‌های سینماسیّار را ادامه بدهیم. با «راوی فیلم» نامه‌نگاری کردیم که اگر بشود یک دستگاه

ویدئو پروژکشن قابل حمل به ما بدهند، دوست داریم تکلیف‌مان را انجام دهیم.

حرف پایانی؟

بعضی فیلم‌های خوب که مخصوص یک استان است و در آثار اکران مردمی نمی‌آید، باید هم‌زمان با اکران‌های جشنواره عمار در تهران، در استان خودش اکران شود، مثلاً سال قبل، مستند «در بایست» که درباره حضور کشتی‌های صیادی چینی در خلیج فارس بود، باید در بندر عباس هم اکران می‌شد. یا فیلم‌های خوب جشنواره مثل «عابدان کهنز» و کارهای دیگر.

قصه‌های اکران

ایوان رنگین کمان

می‌ترسیم

خانمی از روستای «کپله ۱» (روستایی در ۴۰ کیلومتری رامهرمز) با ما تماس گرفتند و گفتند وقتی فیلمی ارزشی در پرده سینما پخش می‌شود فرزندانم را به اهواز می‌آورم تا فیلم را ببینند. وقتی نشدیدم در شهرستان خودمان، فیلم ارزشی (عابدان کهنز) در حال اکران است، خیلی خوشحال شدم. اول تصمیم گرفتم بودم برای دیدن فیلم به شهر بیایم ولی بعداً متصرف شدم، به فکر افتادم که کاملاً در جریان شرایطی فراهم کنیم تا اهالی روستا هم این فیلم را ببینند.

من برای اکران در مسجد این روستا، کمی گزرنای داشتم. اکران‌های قبلی ما در سالن مجهز و با صندلی‌های راحت بود، می‌ترسیدم وقتی اهالی روستا به‌خصوص افراد مسن و خانواده شهدا که دعوت کرده بودیم، برای تماشای فیلم، روی زمین بنشینند، خسته شوند و فیلم را تا آخر نبینند. هیچ‌کدام از این اتفاقات نیفتاد، افرادی که فکرش را هم نمی‌کردم تا پایان فیلم، بمانند، نشستند و کاملاً در جریان فیلم بودند. با آن، هم گریه کردند و هم خندیدند.

جالب بود در روستای ۴۵۰ نفره‌ای که برای اطلاع‌رسانی برنامه، یک ساعت قبل از اکران با بلندگوی مسجد اعلام شده بود که قرار است فیلمی به صورت بلیتی در روستا نمایش داده شود، ۲۰۰ نفر از اهالی آمده بودند. در انتها هم هر کس به هر مقدار که از فیلم خوشش آمده بود، هزینه بلیت آن را در صندوقی که در مسجد گذاشته بودیم، پرداخت کرد. ۳۰۰ هزار تومان، مجموع اکران بلیتی مستند «عابدان کهنز» در این روستا شد.

رعنا بهنودی، طلبه، رامهرمز، خوزستان

فیلم کوتاه «راهبردی»

بچه‌ها، به‌خاطر اشتباه بودن برنامه درسی، کتاب عربی‌شان را نیاورده بودند. در همین حال، متوجه وجود تنش میان شاگردان افغانستانی کلاس‌هایم و بچه‌های دیگر دبیرستان شدم. از فرصت استفاده کردم و فیلم کوتاه «جمعه‌گل» را انتخاب کردم و حساسی کلاس‌هایم را پر کردم. خدا را شکر بعد از دیدن این فیلم، حال و احوال بچه‌ها عوض شد و دیگر از آن تنش، خبری نبود. معصومه اسلامی، معلم بازنشسته، شیراز، فارس

تکتیر خوبی‌ها

ایام محرم بود که به روستای میرآباد انصاری (از روستاهای فهرج) دعوت شدم. گفتند: تعدادی از خانواده‌های آن منطقه را به مسجد این روستا دعوت کرده‌اند، به من گفتند این مناطق، موادفروش زیاد دارد. شما بیایید و در ارتباط با مسائل خانوادگی و آسیب‌های اجتماعی مربوط به مواد مخدر صحبت کنید. من هم قبول کردم و راه افتادم؛ وسایل اکرانم را هم بردم. گفتم با یک تیر، دو نشان می‌زنم. بعد از صحبت‌های من و اکران فیلم «جیب کت»، روضه‌های خوانده شد و شام هم دادند. چلو مرغ بود. وسایلم را جمع کردم و داشتم برمی‌گشتم که دیدم مردی همراه با پسر کوچکی که شام هیبت و یک نوشابه مشکی هم در دستش بود، طرف من می‌آیند. آمدند و به من گفتند همسایه ما پیرمردی است که نمی‌تواند به روضه بیاید. این غذا را برای او می‌پریم؛ این را از فیلم شما یاد گرفتیم. امان... خدابخشیان، معلم، شهرستان کرمان، بهر فهرج و نرماشیر

ایوان رنگین کمان



استان: خراسان جنوبی

شهر: بیرجند

مکان: مسجد

آثار اکران شده: فیلم داستانی «اسپری»



استان: اصفهان / شهر: اصفهان

مکان: مسجد حضرت ابوالفضل (ع)

تاریخ اکران: ۱۲ دی

آثار اکران شده: فیلم داستانی «جایزه ویژه»



استان: فارس / شهر: استهبان

مکان اکران: مسجد جامع

تاریخ: ۹ دی

آثار اکران شده: فیلم داستانی «اسپری» و نماهنگ «فتنه شاید»



افتتاحیه اکران‌های مردمی دهمین جشنواره عمار در صومعه‌سرا، گیلان



افتتاحیه اکران‌های مردمی دهمین عمار در ورامین، تهران

محل: سالن اجتماعات اداره تبلیغات اسلامی

تاریخ: ۱۲ دی



افتتاحیه اکران‌های مردمی دهمین جشنواره عمار در زنجان

محل: سالن ولایت اداره تبلیغات اسلامی

تاریخ: ۱۰ دی

آثار اکران شده: فیلم داستانی «بعد از ظهر»

خودشان بسیاریم.

خاطره؟

پیرمردی بود که هفته‌های اول، تنها می‌آمد. چند هفته که گذشت، دوستانش را هم جمع می‌کرد و برای تماشای فیلم‌ها می‌آورد. در اکران مستند «در بایست»، همین‌طور که فیلم، در حال پخش بود، به جایی رسیدیم که مستند، نشان می‌داد یکی از مسئولان که در مسئله ماهیگیری کشتی‌های چینی در خلیج فارس، دست دارد. همین پیرمرد بلند شد و علیه آن مسئول، حرف‌هایی زد، دیگران هم تکبیر گفتند.

یک‌بار هم بعد از اکران، در حال صحبت با مردم برای دعوت دیگران به تماشای فیلم‌ها بودم، جوانی که دوست دوران ابتدایی‌ام بود، از وسط جمعیت، سمت آمد. می‌گفت «از کنار مسجد، رد می‌شدم که به بازار بروم، اتفاقی، پوستر اکران فیلم در مسجد را دیدم. داخل شدم، دیدم چه فیلم خوبی است». مستند «روزگار رضاخانی» و فیلم داستانی «مستوره» را دیده بود. همین فرد با این که چندان هم آدم مذهبی نبود تا مدتی، فقط برای تماشای فیلم به مصلی می‌آمد ولی بعد از چند هفته، هم برای فیلم می‌آمد و هم برای نماز جمعه.

حرف پایانی؟

انتظار من این است که حداقل یک‌بار مسئولان دبیرخانه جشنواره، خودشان بیایند و از نزدیک، فعالیت ما را در این جا ببینند. می‌خواهم بگویم ایس محلی که ما اکران داریم، می‌توانند پایگاهی برای جوان‌ها، نوجوان‌ها و فیلمسازان قزوین در نظر بگیرند. موقعی که ما اکران‌هایمان را در نماز جمعه، شروع کردیم، اصلاً نماز جمعه تهران، اکرانی نداشت. آنها سه-چهار ماه بعد آمدند و اکران‌هایی کردند.

رضا قاسمی، از اکران‌های هفتگی در نماز جمعه قزوین می‌گوید:

نماز جمعه سینمایی

رضا قاسمی، از فعالان فرهنگی شهر قزوین است که تقریباً از یک‌سال پیش تاکنون، به‌طور هفتگی در مصلی نماز جمعه این شهر، آثار جشنواره مردمی فیلم عمار را برای نمازگزاران اکران می‌کند. گفت‌وگویی کوتاه‌ی با او داشتیم که می‌خوانید.

کنفوکو

شروع اکران در نماز جمعه؟

سال گذشته، بعد از اتمام دوره قبلی جشنواره عمار، شروع به اکران فیلم‌های این جشنواره در قزوین کردم. در واقع، من با مسئول ستاد نماز جمعه قزوین را از سال‌های گذشته آشنا بودم. صحبتی با هم داشتیم و قرار شد برای اکران در نماز جمعه، لیستی از فیلم‌ها را تهیه کنیم تا بعد از اکران، ببینیم استقبال مردم چطور است.

برای این که فضای مصلی، طوری بشود که اکران خوبی داشته باشیم، تلاش‌های زیادی کردم. جایی که در مصلی داده بودند، خیلی بزرگ بود. دیدیم اگر تماشاچی بخواهد فیلم را نگاه کند، با توجه به کیفیت ویدئو پروژکتورها و نور محیط، عملاً چیزی نمی‌بیند. به همین خاطر، یک بنر به ابعاد شش متر در چهار متر گرفتم و روی اسپیس (داربست) نصب کردیم. چون بنرمان برقی بود، پارچه «مقال» روی آن کشیدیم.

اطلاع‌رسانی و تبلیغات؟

قبل از شروع اکران‌ها، در صدا و سیما استان، برنامه را اعلام کردیم. در اولین اکران هم، از آمدن و گزارش تهیه کردند که تبلیغ رسانه‌ای خوبی بود. غیر از این، در سطح شهر بوستر و بنر زدیم. در





گفت‌وگو

محمدطه امیری، ۲۶ساله که کارشناسی روزنامه‌نگاری دارد و در حوزهٔ مستندسازی نیز فعال‌است،اولین فیلمش را سال ۹۱ ساخته که یک فیلم کوتاه به نام «عزالدین» درباره بمباران‌های غزه توسط رژیم صهیونیستی است.بع‌داز چند تجربه دیگر، به‌همراه دوستانش، مرکز هنری -رسانه‌ای «مُحرم» را شکل داده و در عرصه تولیدات رسانه‌ای، مشغول هستند. مستند «آقاسعید» و «حصارالمسیح» از جمله کارهای پیشین این گروه است. «بیر عالم سوز» که در اصل عبارتی ترکی به معنی یک دنیا حرف‌است،عنوان کار اخیر این گروه واولین اثر جدی محمدطه امیری است که در دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار حضور دارد. با امیری درباره اثر اثر که روایتی از زندگی و فعالیت‌های یکی از هنرمندان انقلاب است،گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌آید.

انگیزه ساخت این کار چه بود؟

عبدالحسین عدلو که از دوستانم و تهیه‌کننده این مستند هم است، سابقه آشنایی چند ساله با «حاج بهزاد» را دارد که هر از چند گاهی، خاطراتی از «حاج بهزاد» تعریف می‌کرد که برای منسازجذاب بود و می‌خواستیم این شخصیت رااز نزدیک ببینیم وقصه‌هایش را بشنویم و کم‌کم،آیده‌های مختلفی درباره این قصه‌ها برای ما شکل گرفت. آقای عدلو، به من گفت که بیا کاری درباره «حاج بهزاد پروین قدس» بسازیم، من هم از خداخواسته قبول کردم. طرح کار را به‌خانهٔ تولیدات جوان صدواسیما که کارش حمایت از فیلم اولی‌هاست، ارائه دادیم و کار تحقیق را شروع کردیم.

«حاج بهزاد پروین قدس»، یک شخصیت هنری در شهر تبریز است که در جنگ تحمیلی بوده اما در کنارش، عکاس، مستندساز و طراح هم کرده است و کارهای زیادی در حوزهٔ هنر جبهه و دفاع مقدس انجام داده و می‌دهد. اگر روزی پشت دستگامه مونتاژ، فیلم نوارها را قیچی می‌کرده و به هم می‌چسبانده است الان، پشت رایانه، تدوین می‌کند. این نکته بس‌رای خیلی جالب بود، آدمی که این قدر سختی کشیده و خاطرات ترازیک دارد، رفقایش شهید شدند، ولی او هنوز از فعالیتش، دست نکشیده در حالی که شما در فضای جبهه فرهنگی دیده‌اید که برخی بعد از مدتی، به دلیل دیده نشدن‌ها و مسائل دیگر، به گوشه‌ای می‌روند و زندگی خودشان را می‌کنند. می‌توان گفت خاطرات «حاج بهزاد» آزشیو جنگ تحمیلی در تبریز است. از دست‌نوشته تاانگنشر خوبی شهید، همه را با هزینهٔ شخصی خودش جمع کرده و نگهداری می‌کند.

روند تولید به چه نحو بوده است؟

در سفری که به تبریز داشتیم، پای صحبت‌های «حاج بهزاد» نشستیم. روایت‌های خودش از آن چیزی که ما شنیده بودیم، جذاب‌تر، متنوع‌تر و هم خیلی مسحور کننده‌تر است. موقع برگشت، ۲۰–۳۰دقتر خاطرات از ایشان با خود به تهران آوردیم. خاطرات را خواندیم و به سناریوهای مختلفی رسیدیم که بعضی از آنها به دلایلی مثل مشکل مالی، محدودیت زمانی و مواردی به‌مدلیل تجربه کم‌خودم خط خورد تا به مدلی رسیدیم که براساس آن مدل دوباره تبریز رفتیم و ضبط کار را شروع کردیم.

گفت‌وگو با کارگردان مستند «بیر عالم سوز»:

قصه «چشم انقلاب»

۲۲دی‌ماه ۹۷ویدئوی کوتاهی با این تیتراز شهر «آمیدیه» همه را شوکه کرد: «حمله مأموران به خانه جانباز مدافع حرم با دستتور دادستان شهپر». مستند «امیدیه» روایتی است از پشت پرده آن اتفاق مبهوم، با علی زهییری، کارگردان ۲۶ساله ایسن کارگفت‌وگویی کردیم تا بیشتر درباره «امیدیه» و دغدغه‌هایش بگوید.



یک‌سری لایه‌های درونی و پیچیدگی‌هایی دارد که با این مدل مستندسازی‌ها به‌دست نمی‌آید. من باید بدانم وقتی روبروی سوژه می‌نشینم، سؤالم را چطور بپرسم تا به هدفم برسم. باید بدانم اوضاع سوژه چطور است. از چه چیزی بدش می‌آید و از چه چیزی خوش می‌آید. این‌ها مستلزم شناخت کامل از سوژه‌در مرحله تحقیق است.

جشنوارهٔ عمار؟

من از ابتدا علاقه‌مند به سینما بودم؛ اما اکران اولین فیلمم در جشنوارهٔ عمار، خیلی مشوقم بود. در این مسیر بمانم و فعالیت کنم. من به این جشنواره تعلق خاطر دارم؛ اما ایراداتی هم به آن وارد است. وقتی با یک جشنواره روبرو هستیم، همه‌چیز آن باید حرفه‌ای باشد. باید رنگ و بوی سابقه بدهد. مثلاً داورها باید به موضوع مرتبط باشند. جشنواره عمار باید به این نتیجه برسد که من می‌خواهم یک جشنواره فیلم باشم یا اینکه به قول خارجی‌های‌ما می‌گویند: یک ایونت(رویداد) باشم. این مسئله، به شورای سیاست‌گذاری جشنواره برمی‌گردد که تصمیم بگیرد که «عمار» در عین درسی بودن، جشنواره است و باید فرمت جشنواره رعایت شود. یعنی کسی نمی‌تواند حرفه‌ای‌تر و منظم‌تر کارها را انجام دهدیم. وقتی اس‌تی جشنواره را «عمار» گذاشته‌ایم، توقعاتی از جشنواره پیش می‌آید.

تنفس دوباره

سفرش ساخت-

خودش مدیریت کسب‌وکار می‌خواند. هنوز دغدغه قدیمی‌اش را داشت: رابطه دانشگاه و صنعت. از وقتی با بسیج دانشجویی رفت‌وآمد می‌کرد، ایده‌های مختلفی به ذهنش می‌رسید. هر کدام را هم به هر کسی گفت به نظرشان دشنی نبود اما او همه ظرفیت‌ها و موانع را دید و گفت: «هی شود».

یک بار رنگ زد به بسیج مهندسی‌ن و گفت: «ما می‌توانیم با امتیازی که از فنی‌وحرفه‌ای داریم، کارگران کارخانه‌های استان رو در دوره‌های آموزشی، ارتقای دانش بدیم، شما هم در مقابل دانشجویها رو برای کارآموزی به کارخانه‌ها معرفی کنید؛ اسمش هم می‌شود خدمات متقابل». گفتند: «طرح خوبی‌ه اما الان زمانش نیست، ما طرح دیگه‌ای داریم، اگر مایلید همکاری کنیم؛ طرح عارضه‌یابی صنایع استان.» قرارها گذاشته شد؛ برنامه‌ریزی و تحلیل نهایی با بسیج مهندسی‌ن، شناسایی و تحلیل اولیه با بسیج دانشجویی. شب اول شهرپور بود که سرباز بسیج مهندسی‌ن، لیست کارخانه‌ها را برایش تلگرام کرد. او نیز ردی انجام داد که با توجه به نوع کارخانه‌ها، چه تعداد دانشجوی‌از چه رشته‌هایی مورد نیاز است. بنا به نیاز علمی به مسئولان علمی پایگاه‌های بسیج دانشگاه فردوسی و دانشگاه آزاد پیامک زد. صبح فردا، ساعت شش ونیم اسامی دانشجویانی که تا نیم ساعت دیگر جلوی سازمان بسیج مهندسی‌ن جمع می‌شدن، مشخص شده بود. گروه‌ها، تشکیل شدند؛ شامل سه دانشجو با یک سرب‌پرست از بسیج مهندسی‌ن با بسیج اساتید.

اعزام به کارخانه‌ها شروع شد. دانشجویها از هفت صبح تا دو ظهر به شیوه عارضه‌یابی سعی می‌کردند فرم‌های از پیش طراحی شده را پر کنند. دانشجویها موظف بودند تا ساعت هشت شب گزارش کار را به او برسانند. سرب‌پرست‌ها هم تا ساعت دو، فرم‌ها و گزارش‌ها را به همراه اندکی تجزیه و تحلیل به دفتر بسیج مهندسی‌ن می‌دادند. حالا نوبت او بود که با توجه به کیفیت گزارش دانشجویان، مشخص کند چه کسی نگاه جامع‌تری دارد و چه کسی نمی‌تواند با گروه همراه باشد. در هر اعزام، دانشجویان، بالایش می‌شدند.

پس از تحویل گزارش‌ها، سرب‌پرست‌ها یک هفته فرصت داشتند تا با تحلیل داده‌ها و محاسبات آماری، کار عارضه‌یابی را تمام کنند. در همین فرایند بود که متوجه نقاط ضعف فرم‌های شناسایی هم می‌شدند.

مرحله بعد، امداد‌رسانی بود. شش کارخانه از ۲۰۰کارخانه نیمه‌فعال انتخاب شد و ۱۰دانشجوی ارشد و دکتری از بین ۵۰دانشجوی همکار در پروژه.

نگاهی به مستند «بیر عالم سوز»:

یک دنیا حرف از «حاج بهزاد»؛ عکاس فرشته‌ها



یادداشت **سیدشهاب‌الدین واجدی**؛

پیشتر «حاج بهزاد» را به عکاس جبهه و جنگ و تصویرگر دوران پُر افتخار دفاع مقدس می‌شناختم، چرا که خودم سال‌هاست دوربین به‌دست گرفتم‌و وقایع و رویدادهای دهه سوم و چهارم انقلاب را به تصویر می‌کشم و آشنایی با آثار، منش و رفتار بزرگان و پیشکوتان این عرصه، برام شیرینی و حلاوت خاصی دارد. حاج «بهزاد پروین قدس»، یکی از آن شخصیت‌هایی بود که در بین ماست اما به دلیل بُعد مسافت و زندگی ایشان در تبریز فرصت نلמד و درک ایشان میسر نشده بود و به‌جز تعدادی عکس در کتب عکاسی جنگ و صفحه‌ایشان در فضای مجازی، کمتر از حالات و احواشان با خبر بودم؛ تا این‌که مستند پرتره «بیر عالم سوز» (یک دنیا حرف) کاری از طه امیری و حسین بدرلو را دیدم... اینجا بود که دریچه جدیدی از حالات روحی و خاطرات این مرد بزرگ، سرگشته‌شیدان و مخزن الاسرار لشکر عاشورا به رویم باز شد. با روایت خاطراتش به آن روزها که ندیدم، سفر کردم، با دو عشق‌اش «حد» و «حبیب» عشق کردم، با سادگی و صفای وجودش صفا کردم، با غم غربت‌اش برای «آستریاف» محزون شدم و با بغض‌هایش برای دوستان شهیدش بغض ترکید و گریستم... دیدن این فیلم باعث شد با مستند قدیمی «بیر عالم سوز» ساخته خود «حاج بهزاد» هم آشنا شوم و دنبال نسخه‌هایی از آن در فضای مجازی بگردم و به تماشای فیلمی ماندگار از تفحص تا تشیع شهدا بنشینم...

مستند پرتره و زندگی ایشان که توسط دوستان هنرمندم با زحمت و تلاش فراوانی ساخته شده و می‌دانم در این وانفاسی اوضاع فرهنگ و هنر، ساخت هر اثری در این مضمون، خود، گنج و جواهر گرانبهایی است که باید قدردان آن بود و به آنان خداقوت می‌گویم. اما به‌نظرم این فیلم، همه آن چیزی نبود که از «بهزاد پروین قدس» شنیده و دیده بودیم، شاید نگاهی ساده و روان بود به علایق و عهدای‌های دوران جنگ و پس از جنگ ایشان تا ادامه راه با شهدای جبهه‌های مقاومت و مدافعان حرم؛ اما مطمئناً «حاج بهزاد»، دنیایی خاطره، ح‌سرف نگفته، رنج‌ها و دردها در سینه دارد که شاید یا به مصلحت نیست بیان کند یا این‌که این فیلم ظرفیت و گنجایش آن حرف‌ها را ندارد؛ نمی‌دانم؟! اما! حاج بهزادی است که از وقتی می‌شناسیم این اسطوره چند وجهی و چند بُعدی هنر متعهد و انقلابی از هر انگشت‌اش هنری می‌بارد، هنرمندی که هم نقاش و گرافیس‌ت است و هم در فیلم و مستندسازی و خاصه در عکاسی حرف‌ها برای گفتن و دنیایی عکس و اسلاید ارزشمند دارد و این حقیر در هر سکانس منظر دیدن و برداختن به آن‌ها بودم که نمی‌دانم چرا این‌ها خصائص را گذرا شاهدن بودیم و در این فیلم، کمتر دیده شد؟! اما در نهایت به نظر نگارنده این فیلم شعاری نبود و کاملاً بی‌ادعا، روایتی بود ساده از دنیای هنرمندی ساده و بی‌ادعا.

عکاس و سردبیر عکس باشگاه خبرنگاران جوان

نقدی بر مستند «بیر عالم سوز»:

روایتی که به اوج نمی‌رسد

یادداشت **نیکوروستایی**

درباره مستند «بیر عالم سوز» می‌توان ساعت‌های متوالی نوشت. روایت مستند، همان قالبی است که شاید بارهوا بارها انواع و اقسام‌اش را در این سال‌ها، همه‌مان دیده باشیم، اما «حاج بهزاد»، چنان کاریزماتیک است که در همان لحظه‌ی شروع صحبت‌هایش ما غرق خاطره‌هایش می‌شویم، طوری که دیگر حس بودن در فیلم را نداریم و انگار او روبروی ما نشسته و برای شخص ما این خاطرات را تعریف می‌کند. ما به سادگی با «حاج بهزاد» که مانند روخانه‌ای زلال است، همراه می‌شویم، با بغض‌هایش، بغض می‌کنیم، با گریه‌هایش، گریه می‌کنیم و همراه سا لبخند‌هایش لبخند می‌زنیم. شخصیت، به‌طرز عجیبی از فیلم، جلو است و به‌هیچ عنوان نمی‌توانیم او را در جغرافیای فیلم‌ها دعیم. فیلم‌ساز، بخشی از زندگی «حاج بهزاد» را انتخاب کرده است و او به‌صورت روایت خطی از گذشته‌تا به امروز صحبت می‌کند. شاید بتوان گفت این روایت خطی و انتخابی، یک بخش خیلی کوچک از یک کتاب تاریخی است که حتی نصف صفحه آن گفته نشده است.

شروع فیلم در یک زمستان است، او در حوالی کوچه و خیابان‌های آسروزی راه می‌رود. در بیرون، شبیه تمام آدم‌هایی است که هر روز، بی تفاوت از کنارشان رد می‌شویم، اما او تاریخ شفاهی انقلاب و جنگ است، تاریخ شفاهی‌ای از دل مردم، همان مردمی که انقلاب کردند و در جنگ فرزندانشان را دادند، آن مردمی که از با ارزش‌ترین چیزها گذشتند برای اسلام و انقلاب و حالا «حاج بهزاد» نماینده‌ای است از همین مردم که هنوز هم برای انقلاب هزینه می‌دهد. بخش مهمی از جذابیت فیلم، مربوط به قسمت‌هایی است که عکس‌ها و فیلم‌های مستندی را که خود «حاج بهزاد» گرفته است، نمایش می‌دهد. اما در فیلم، گاهی شاهد آن هستیم که فیلم‌ساز، بی‌توجه به این عنصر جذابیت، خیلی ساده از آن عبور می‌کند. درحالی‌که فیلم‌ساز می‌توانست با آن تصاویر آرشویی جمع شده، دنیایی از ایده‌وداستان را خلق و روایت کند. و چه حیف که گاهی ایده‌هایی به این درخشانی تبدیل به ایده‌ای سوخته می‌شود و ای کاش، وقت بیشتری برای روایتی مناسب‌تر از این سوژه ناب، صرف می‌شد.

فیلم‌ساز تلاش می‌کند تعلق‌های کوچکی به فیلم تزریق کند که در مقایسه با زندگی «حاج بهزاد» تقریباً نمی‌شود این تعلق‌ها را به حساب آورد. فیلم در زمره‌ی مستند‌های پرتره است. اما ریتم فیلم از ابتدا تا انتها به‌صورت یک‌دست پیش می‌رود. هر انسانی، زندگی‌اش مراحل مختلفی دارد، شاید در جوانی پُر جنب‌وجوش و در پیری گوشه‌گیر باشد. در حالی‌که در «بیر عالم‌سوز» روند او فرج‌و‌دهای زندگی را در فیلم مشاهده نمی‌کنیم که این با ریتم زندگی «حاج بهزاد» در تضاد کامل است. او در نوجوانی و جوانی، زندگی پُر جنب‌وجوشی داشته است، اما در فیلم، تلاش مؤثری برای نشان دادن حس‌وحال آن روزهای زندگی «حاج بهزاد» دیده نمی‌شود.

در نهایت، باید از فیلم‌ساز و تمام عوامل فیلم تشکر کرد که بدنبال ثبت این شخصیت‌های والا و پنهان بوده‌اند و در روزگاری که همه به‌دنبال ساخت مستند‌های سیاه‌نمای اجتماعی هستند، در پی سوژه‌ای ناب افتاده‌اند. باید به جرات و جسارت آنها تبریک گفت و امید است در آینده‌ای نزدیک شاهد آثار درخشانمان باشیم.



شد. دانشجویا یک طراح در بسته‌بندی ارائه دادند که می‌توانست در هر محصول پنج‌تانه تک تومانی صرفه‌جویی کند. همین میزان صرفه‌جویی کافی بود تا محصول طوری قیمت‌گذاری شود که بتواند رقابت کند.

مشکل کارخانه سوم مطالبات ۲۸۰۰ میلیارد تومانی‌اش از یک‌ارگان دولتی بود و مشکل کارخانهٔ چهارم جریمه‌ای ۵۵۰ میلیون تومانی که باید به سازمان مالیاتی پرداخت می‌کرد. این دو کار را بسیج مهندسی‌ن پیگیری کرد که با رایزنی هر مطالبات را واصل کرد و هم بخشودگی مالیاتی گرفت.

تجربه شیرین احیای چند کارخانه مستعد استان، باعث شد فاز دوم طرح باصلاحاتی ادامه پیدا کند. بهمن سال ۱۴۰۰ کارخانهٔ دیگر با همکاری بسیج دانشجویی عارضه‌یابی شد.

فضای تخصصی، چیزی بود که باعث شد با وجود نگاه‌نامساعد برخی از مسئولان و مخالفتی صورت بگیرد و کار تا جایی ادامه پیدا کند که بسیج دانشجویی به عضویت دارای حق رای در ستاد پیش صنعت استان درآید.

منبع: کتاب پنج جلدی «کنشگر»، ص ۲۲۱. بسیج دانشجویی خراسان رضوی تابستان و پاییز ۹۴

در صورت تمایل، با ثبت فرخوان در بخش «فراخوان مردمی» جشنواره عمار، می‌توانید سینماگران را برای تولیدات‌ری درباره سوژه مطرح شده، دعوت و جازه‌ه را از رانیز خودتان مشخص کنید. جهت کسب اطلاع بیشتر به سایت جشنواره AmmarFilm مراجعه کنید یا QR کد را اسکن کنید.

